

تصحیح پلان به همراه مستندنگاری پلکان کاخ ویران شده اردشیر سوم

در تخت جمشید

افشین یزدانی^۱

دکترای باستان‌شناسی دوران تاریخی

(از ص ۱۵۹ تا ۱۷۸)

تاریخ دریافت: ۳۰/۰۷/۹۱

تاریخ پذیرش: ۰۲/۱۲/۹۱

چکیده:

بر روی بلندترین بخش محوطه تختگاه شهر پارسه (تخت جمشید) در حدود نیمه قرن چهارم پیش از میلاد کاخی ساخته شد که دارای ایوان و پلکانی گسترده رو به حیاط کاخ موسوم به «هدیش» بود که البته امروزه جز آثار شکسته و پراکنده‌ای از بخش‌هایی از پلکان آن، نشانه دیگری از آن باقی نمانده است و همین پراکندگی قطعه‌های پلکان بنا بود که بهانه‌ای شد تا در سال ۱۳۸۴ خورشیدی و در جریان یک برنامه ساماندهی و مستندنگاری دقیق که با همکاری بنیاد پژوهشی پارسه پاسارگاد انجام شد، شواهدی مسلم بدست آید که ثابت می‌کرد که طرح نخستین ارائه شده برای پلکان آن نیازمند تغییراتی است که در نوشتار حاضر به طور مفصل به همراه دلایل و مستندات لازم به آن پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: تخت جمشید، پارسه، فراهامنشی، اردشیر سوم، کاخ G، کاخ H.

۱. کاخ اردشیر سوم (G):

محل تپه مرکزی که توسط کاخ‌های آپادانا، تالار شورا، هدیش و تچرا در بر گرفته شده است برای نخستین بار توسط هیئت کاوش هرتسفلد در فاصله سال‌های ۴-۱۹۳۱ مورد بررسی قرار گرفت که در نتیجه آن طرحی کلی یعنی محدوده بنا که با مصالح خشت به طرح رایج پنجره‌های کور تزئین شده بود آشکار شد (تصویر ۱A). در گوشه شمال باختری محوطه نیز یک پلکان کوچک پنج پله‌ای با پهنای دو متر کشف شد که به دو اتاق با دیوارهای خشتی که واسط میان پله‌ها و بنای اصلی در سطح بالاتری بودند راه می‌یافت (Schmidt 1953: 3, fig. 116). دیواره‌های این پلکان توسط سنگ‌هایی تزئین شده بود که در اصل به بخشی از بالای صحنه بار عام شاهی در خزانه تعلق داشتند^۱ و این‌گونه به نظر می‌رسید که دو سوی مسیر دسترسی به آن توسط مجسمه‌های بزرگ دو گاو نر احاطه می‌شده است (Schmidt 1953: 3, 274, fig. 118; Krefter 1976: 210).

آنچه که تا پیش از انجام کاوش‌های گسترده باستان‌شناسی مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو در محل تپه مرکزی دیده می‌شد، توده‌ای مرتفع و برجسته از سنگ‌ریزه‌ها و تیغه‌های دور ریز کارگاه‌های سنگتراشی بود.^۲ بلندی محدوده تپه مرکزی به طور میانگین ۱ تا ۲ و البته در بخش کوچکی تا ۳ متر فراتر از حیاط کاخ هدیش می‌رسید. از همان ابتدای ورود باستان‌شناسان به تخت جمشید گمان‌ها و نظریه‌هایی در ارتباط با کارکرد محل تپه مرکزی به عنوان بلندترین نقطه تختگاه طرح و مورد بحث قرار گرفته بود. «ارنست هرتسفلد» به عنوان پیشگام در این زمینه به طرح فرضیه وجود یک نیایشگاه به سبک زیگورات‌های میانرودان و ایلام در محل تپه مرکزی پرداخت (Herzfeld 1941: 230). فرضیه‌ای که با توجه به موقعیت مکانی آن به عنوان بلندترین بخش تختگاه^۳ و به همراه آشکار شدن بخش سکو مانند که نتیجه تراشیده شدن بستر طبیعی تپه بود، به تقویت نظر و فرضیه وی کمک می‌کرد.^۴

«دفرانکوویچ» این محل را مناسب‌ترین مکان برای وجود یک بوستان و باغ در میان دیگر کاخ‌ها می‌دانست^۵ (Francovich de 1966). در همین حال به نظر اشمیت و کرفتر محل تپه مرکزی که از سنگ‌ریزه، بستر صخره‌ای طبیعی زمین و خشت تشکیل شده است، بی شک زمانی هسته مرکزی یک پایه و بستر برای یک بنای افراشته

۱. کرفتر اعتقاد دارد که اردشیر سوم در مقام سازنده پلکان کوچک شمال باختری نمی‌توانسته به خود جرأت داده باشد که اقدام به انتقال بخشی از صحنه بارعام شاه به محل پلکان و استفاده دوباره از آن به عنوان تزئین دیواره پلکان کرده باشد. بنگرید: Krefter 1976: 209-210 & figs. 2-3.

۲. فردریک کرفتر در رابطه با دلیل وجود توده سنگ‌های ریز و شکسته در محل تپه مرکزی بر این باور است که این محل در دوره فراهامنی و زمانی که کاخ G در محل تپه مرکزی ویران شده بوده است در جریان انتقال و جابجایی پلکان آن کاخ از محل نخستین خود به محل کاخ H به محل یک کارگاه سنگتراشی تبدیل شده بود. بنگرید: کرفتر ۱۳۸۸: پی‌نوین ۲۵۶.

برای آگاهی از دیدگاه هرودوت در رابطه با ساخت نیایشگاه در دوره هخامنشی بنگرید: کتاب ۱ بند ۱۳۹.

۴. به گمان هرتسفلد محل تپه مرکزی مکان معبدی است که بر روی یک سکو با ۲ تا ۳ پله ساخته شده بود (Herzfeld 1941: 230) همچنین: کرفتر ۱۳۸۸: ۶۶.

۵. این فرض که محل کاخ G به عنوان یک باغ پیش از زمان اردشیر سوم مورد بهره برداری قرار گرفته باشد تصوری است که توسط دفرانکوویچ ارائه شده است و همانگونه که کرفتر تأکید می‌کند به دلیل آن که بخش زیرین و سکو مانند تپه مرکزی که در زمان هرتسفلد مورد کاوش قرار گرفت از خشت ساخته شده بود، محل تپه مرکزی نمی‌توانست به عنوان یک باغ مورد استفاده قرار بگیرد. بنگرید: Francovich 1966; Krefter 1976: 210

بر فراز آن بود که به نام کاخ «G» نام‌گذاری و شهرت یافت. اگر چه باید بر این نکته تأکید کنیم که با توجه به بررسی‌ها و گمانه زنی‌های انجام شده هیچ اثری از ساختمان کاخ بجز نشانه‌های اندکی از دو اتاق کوچک خشتی در سطحی میان حیاط پلکان گوشه شمال باختری با بنای اصلی و پاره‌هایی از تأسیسات فاضلاب و سیستم دفع آب چیزی دیگری در این هسته مرکزی بدست نیامده است.^۱

۲. پلکان کاخ اردشیر سوم (G) و فرضیه جابجایی آن:

محوطه موسوم به کاخ «H» در گوشه جنوب باختری تختگاه شهر پارسه در ابتدا به علت وجود سه سنگ‌نوشته به زبان و خط پارسی باستان بر نمای بدنه پلکانی که در این محل قرار داشت به نام کاخ اردشیر سوم (۳۳۸-۳۵۹ پ.م) نامیده می‌شد (تصویر ۱A و ۱B)، (Schmidt 1953: 279, fig. 127).^۲ بر روی بدنه اصلی پلکان مزبور با طرحی شبیه به پلکان جنوبی کاخ «تچرا» البته به شکلی بسیار شکسته و آسیب دیده، دو گروه ۱۶ نفره نیزه دار پارسی دیده می‌شود که در مقابل یکدیگر و در دو سوی سنگ‌نوشته‌ای به زبان و خط پارسی باستان که بخش میانی نمای پلکان را پر کرده، تکرار شده است. با توجه به بخش‌های موجود می‌توان گفت که صحنه میانی بدنه اصلی پلکان همانند دیگر پلکان‌ها از دو سوی خود به دو بخش مشابه شیب‌دار محدود می‌شده است که هر یک از آن‌ها توسط عناصر رایجی چون صحنه نبرد شیر با گاو، نخلچه‌ها و ردیفی از خدمتکاران پارسی و مادی به گونه پشت سر هم، یک در میان و در حال گام برداشتن به سوی ایوان کاخ تزئین شده است.

اما با همه این گفته‌ها، به جهت موقعیت کنونی پلکان، مسأله مهمی که به آسانی توجه هر باستان‌شناسی را جلب می‌کند این است که انتهای شرقی پلکان بدون ایجاد فضای لازم و مناسب به صورت ناقص، شکسته و نیمه تمام به دیوار پایه کاخ خشایارشا برخورد کرده است (تصویر ۲). برای انتهای بخش باختری پلکان نیز پله‌ای برای بالا رفتن دیده نشده و اثری از کف ایوانی که زمانی پله‌های پلکان به آن می‌رسیده است نیز وجود ندارد. این شواهد به روشنی نشان‌دهنده این موضوع است که پلکان کاخ «H» به طور قطع و یقین در موقعیت و مکان نخستین خود قرار نداشته و از جایی دیگر به این مکان منتقل شده است (Tilia 1972: 255).

«ریچارد هاینز» (Richard Haines) معمار گروه کاوش «ارنست هرتسفلد» در تلاش برای یافتن موقعیت اصلی پلکان موفق شد تا به شکلی قانع کننده به نتیجه‌ای عجیب و تا حدی گیج کننده دست یابد. وی محوطه جنوب تپه مرکزی را پاک‌سازی نمود که در نتیجه آن توانست خط یا راستای قرارگیری پلکان و بستر آماده سازی برای نهادن بلوک‌های پلکان G و برش‌هایی به شکل V در سنگ‌های کف محوطه پیدا کند. وی سپس با اندازه‌گیری فاصله میان برش‌ها و مقایسه آن‌ها با اندازه بلوک‌های متناسب به‌خوبی توانست ثابت

۱. آقای سامی در سال ۱۳۲۹ کاوش‌هایی در محل تپه G انجام داده و پس از خاکبرداری‌های وسیع ادعا کرد که ساختمان‌هایی را روی تپه شناسایی کرده است. امروزه در محل تپه مرکزی می‌توان بخش‌هایی را که بی شک دیوارهای خود ساخته (!) وی در توده خرده سنگی تپه هستند تشخیص داد. برای فعالیت سامی بنگرید: (سامی ۱۳۳۰: ۵۰-۴۹).

۲. «داندامایف» اعتقاد دارد که اردشیر سوم در تخت جمشید روزگار نگذرانده است. از این پادشاه هخامنشی «آپادانایی» در بابل با تزئینات آجر لعابدار بدست آمده است. بنگرید: Unger 1970: 40 ; Dandamaev 1989: 313

کند که پلکان نیمه ویران کنونی که در محل کاخ H به چشم می‌خورد در حقیقت به جنوب تپه مرکزی تعلق داشته است (تصویر A,B ۳) (Schmidt 1953: 274).

فرضیه و تصور «عبادتگاه» بودن ساختمان G پس از کشف «هاینز» و انتساب پلکانی که تمام ویژگی‌های دیگر پلکان‌های کاخ‌های «اختصاصی»^۱ را داشت به شکلی جدی مورد تردید و پرسش قرار گرفت: «استفاده از نقش خدمتکاران بر پلکانی که زمانی به تپه مرکزی (کاخ G) می‌رفت نشان دهنده این مهم است که بنا کاربری مسکونی داشته و با دیدگاه هرتسفلد مبنی بر قرارگیری نیایشگاه پارسه در این محل همخوانی ندارد» (Schmidt 1953: 275).

طبیعی است که قبول نظریه انتقال پلکان به پرسش اساسی دلیل و زمان انتقال پلکان کاخ تپه مرکزی به محل کنونی آن منجر می‌شود. کرفتر با توجه به استفاده از آثار و بقایای کاخ G در مکانی دیگر بر این باور است که ویرانی این بنا بایستی در اندک زمانی پس از فرو پاشی شاهنشاهی هخامنشی در اواخر قرن ۴ یا اوایل قرن ۳ پ. م. رخ داده باشد. بنا بر تصور وی استفاده از محل کاخ G به عنوان کارگاهی برای تهیه مقدمات نقل و انتقال آثار سنگی به محل کاخ H شاهی استوار بر این استدلال است. براساس نظر کرفتر که بسیار نیز درست می‌نماید کاخ G برخلاف کاخ‌های دیگر تختگاه مانند آپادانا، هدیش و تچرا بر روی یک پایه سست و ضعیف متشکل از خرده سنگ و خشت تا بلندی ۴/۷ متر نسبت به حیاط کاخ آپادانا بنا شده بوده است که همین امر به‌ویژه ناپایداری خشت در برابر باران و آن هم پس از انتقال مصالح معماری آن دلیل روشنی در نابودی سریع بنا دارد (کرفتر ۱۳۸۸: زیرنویس ۲۵۶). به گمان «اشمیت» جابجایی پلکان کاخ G پس از هخامنشیان و همزمان با ایجاد آثار معماری قابل مشاهده بر فراز محل کاخ H رخ داده است. خانم «تیلیا» همسر مرمت کار بزرگ ایتالیایی زنده یاد «جوزپه تیلیا» که تا پیش از انقلاب اسلامی سال‌ها در تخت جمشید به پژوهش و مرمت اشتغال داشتند نیز به گونه‌ای مشابه اعتقاد دارد که تاریخ این نقل و انتقال بایستی با فعالیت‌های آشکار فراهخامنشی در گوشه جنوب باختری تختگاه از جمله: استفاده دوباره از بلوک‌های کاخ اختصاصی داریوش (تچرا) برای حصار کشی بخش باز باختری حیاط میان آن کاخ و کاخ «H»، ایجاد دیواره پشتیبان برای نمای پلکان منقل شده به محل کنونی، بریدن بخشی از گوشه شمال باختری پایه کاخ خشیارشا به منظور ایجاد یک راه پله و تزئین دیواره‌های آن با انتقال و افزودن قطعه‌هایی از بلوک‌های بناهای دیگر و همچنین ساخت و سازهای کنونی در محل کاخ «H»، همزمان باشد. براساس نظر تیلیا تمامی فعالیت‌های گفته شده بایستی مربوط به زمان یکی از شاهان محلی پارس پس از حمله اسکندر باشد که در تلاش بود تا از ویرانه‌های تخت جمشید در یکی از بهترین نقاط تختگاه که دیدی عالی به دشت مرو دشت فراهم می‌کرد برای خود کاخ و بارگاهی فراهم کند (Tilia 1972: 315).

پس از اثبات تعلق پلکان نمای کاخ H به جنوب تپه مرکزی، هاینز به درستی متوجه شد که پلکان مورد نظر طرحی متفاوت نسبت به دیگر پلکان‌های دو طرفه کاخ‌های اختصاصی ارائه می‌دهد. دلیل وی برای این استدلال وجود دو پلکان یا بال کوچک عمود بر بدنه و نمای اصلی در دو سوی انتهای پلکان است (تصویر C۳)، (Schmidt 1953: 274, 280 fig. 117). براساس طرح هاینز هر نیمه پلکان از ۱۷ پله تشکیل

۱. به منظور آگاهی از تقسیم بندی کاخ‌ها و سازه‌های تختگاه به دو دسته «کاخ‌های اختصاصی» و «کاخ‌های عمومی» بنگرید: Schmidt 1953.

شده بود که شامل ۶ پله برای پلکان کوچک عمود به بدنه اصلی، ۱ پاگرد و ۱۰ پله برای بدنه اصلی بود.^۱ کرفتر نیز که خود یک معمار چیره دست و طراح بزرگ بشمار می‌رود سال‌ها بعد و در ذیل مطلبی با عنوان «کاخ G، کاخ پذیرایی نمایندگان اعزامی همه کشورها» بدون هیچ تغییری در طرح هاینز در پلکان کاخ G، به بررسی جزئیات آن پرداخته است (تصویر ۴)، (کرفتر ۱۳۸۸: ۶۸-۶۶). براساس نظر کرفتر، پلکان G با ۱۷ پله و شیب متوسط ۱۳/۳۵ سانتی متر بلندی برای هر پله، در نهایت به بلندای ۲/۲۷ متر نسبت به ورودی و کف پلکان یعنی بخش شمالی حیاط کاخ هدیش می‌رسیده است. کرفتر که در سال ۱۹۷۱ با شمارش ۶۰ نقش خدمتکار برای جانب داخلی پلکان‌ها وجود ردیفی از هدیه آوران را به عنوان بخشی مهم از نقش‌های تزئینی پلکان G امکان پذیر می‌دانست (Krefter 1971: 71-3)، پس از پژوهش‌های تیلیا^۲ به صراحت به عدم تعلق بلوک‌های با نقش هدیه آوران برای پلکان کاخ G تأکید می‌کند (Krefter 1976: 211).

۳. ویژگی هنر نقش پردازی و سنگتراشی دوران انتهایی هخامنشیان:

در مطالعه و مقایسه سبک و جزئیات نقش پردازی آثاری که به طور مسلم به اردشیر سوم در تخت جمشید تعلق دارد یعنی پلکان نوشته دار کاخ G و پلکان باختری کاخ تجرای داریوش، با وجود تکراری بودن موضوع صحنه‌ها و عناصر سازنده آن‌ها نسبت به کارهای نخستین تا میانه زمان هخامنشی، تفاوت‌های آشکاری به جهت طراحی جزئیات و اجرای عناصر صحنه‌ها به چشم می‌خورد. خانم تیلیا سبک کار و کیفیت نقش پردازی را در پلکان باختری کاخ داریوش که نوشته‌ای از اردشیر سوم را بر پیشانی دارد به عنوان شاخصی از افت کیفیت و نزول سطح هنر در دوره انتهایی هخامنشیان می‌داند (Tilia 1972: 312). مایکل روف بر این باور است که یکی از ویژگی‌های جداکننده نقش‌های دوران اردشیر سوم از سایر نمونه‌های پیشین، هموار بودن بیش از اندازه سطح نقش‌ها است. وی همچنین به شکل اطمینان بخشی توانست تشخیص بدهد که تمامی نقش‌های مربوط به خدمتکاران بر جداره‌ها و نمای پلکان‌های زمان اردشیر سوم دارای یک ویژگی منحصر به فرد هستند که تشخیص آن‌ها را از دیگر کارهای هخامنشی بسیار ساده می‌کند و آن چیزی نیست جز نمایش «مقطع ابروی سه گوش» برای نقش افراد (Roaf 1983: 141). تفاوت در نمایش اجزای بدن بره‌ها و بزغاله‌های در دست خدمتکاران نیز یکی دیگر از زمینه‌های تشخیص و تمایز کارهای زمان اردشیر سوم از کارهای پیشین است. به عنوان نمونه دست جانوران اشاره شده در ناحیه مچ به مقدار بیشتری نسبت به

۱. در این جا لازم است توجه خواننده را به طرح دیگری که از پلکان مورد بحث در «تخت جمشید ۱» آورده شده است جلب کنیم (Schmidt 1953: fig. 97). در این طرح به جهت همخوانی درازای بال‌های عمودی با بازسازی انجام شده از دروازه‌های حیاط هدیش برای هر یک از بال‌های عمودی پلکان ۱۱ پله نمایش داده شده که بسیار عجیب است چرا که موجب ناهمخوانی جدی در بلندای سطح ایوان کاخ G می‌شود. در بازنگری حاضر بدون نیاز به افزایش شمار پله‌های بال‌های کوچک درازای آن‌ها به نزدیک ۴ متر و برابر با طرح شماره ۹۷ در کتاب «تخت جمشید ۱» شده است.

۲. تصور ردیفی از هدیه آوران برای پلکان کاخ G به دلیل پراکندگی بلوک‌های پلکان دیگری بوده است که در محل کاخ H مشاهده می‌شده است و امروزه براساس پژوهش‌های خانم تیلیا می‌دانیم که این بلوک‌ها به پلکان کاخ اردشیر نخست تعلق داشته که زمانی در محل کاخ H برپا بوده است.

نمونه‌های دیگر خم شده و تشکیل زاویه کوچک‌تری داده و پاهای حیوان نیز به صورت کشیده و بدون انحنا نشان داده شده است (یزدانی ۱۳۸۳؛ ۱۳۰، Schmidt 1953: 228).

۴. مستندنگاری بلوک‌های پلکان کاخ اردشیر سوم (G):

گروه مرمت تیلیا در برنامه ساماندهی و مرمت پلکان کاخ^۱ G، بلوک‌هایی را که امکان قراردعی و جای‌دهی در بدنه اصلی پلکان را داشتند در مکان خود قرار دادند و آن‌هایی را نیز که موقعیت آن‌ها در بدنه اصلی مشخص نبود یا به دلیل تخریب پلکان امکان پذیر نبود به بخش شمالی حیاط هدیش انتقال دادند.^۲ همین بلوک‌های گردآوری شده در محل نخستین پلکان G و تلاش برای جانمایی آن‌ها توسط نگارنده در طرح نخستین ارائه شده از پلکان آن بنا بود که افزون بر هدف نخست موجب ارائه طرحی نوین از پلکان کاخ G شد. در عملیات مستندنگاری بلوک‌های متعلق به زمان اردشیر سوم چندین اصل مبنای کار قرار داشت که در پی به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. بررسی کیفیت هر بلوک از نظر چگونگی سطح برخورد با بلوک‌های اطراف خود از اهمیت بالایی برخوردار است که شامل بررسی مواردی زیر می‌شود: وجود شکستگی یا سالم بودن سطح‌های مختلف، وجود تراش «قاب نما»^۳ برای اتصال با بلوک‌های سنگی مجاور یا رها شده به صورت خشن و زمخت که در مواردی مانند قرار گیری بلوک در بافت پشتیبان خستی انجام می‌شده است.

۲. توجه به موقعیت بلوک‌ها در پیکره نخستین پلکان به این مفهوم که بلوک مورد مطالعه به دیواره بیرونی یا داخلی پلکان تعلق دارد. این مهم از وجود یک یا دو صحنه نقش پردازی شده از ردیف خدمتکاران بر اطراف بلوک قابل تشخیص است.

۳. از آن جا که با توجه به شواهد موجود از پلکان G و طرح اولیه انتظار وجود دو بخش قرینه و متناظر یا به سخن روشن‌تر دو بخش که تصویر آینه‌ای یکدیگر باشند به جهت پلان و البته نقش‌های تزئینی به صورت دو نیمه چپ و راست وجود دارد، شناسایی بلوک‌های مورد مطالعه از جهت تعلق به هر یک از نیمه‌های، چپ یا راست پلکان از اهمیت بالایی در فرایند نهایی پیگردی و ساماندهی آن‌ها برخوردار است. این امر با توجه به جهت حرکت ردیف خدمتکاران در نما یا سطح داخل بلوک به سمت چپ یا راست بیننده قابل شناسایی است.

۴. به منظور راحتی و سادگی کار و جلوگیری از هرگونه آشفتگی در امر مستندنگاری به هر یک از بلوک‌های موجود در شمال حیاط هدیش و حاشیه تپه مرکزی که به طور مشخص به پلکان کاخ G تعلق داشتند به ترتیب از سوی خاور به باختر یک شماره از ۱ تا ۹ اختصاص داده شد.

۱. همانگونه که پیش از این گفته شد بخش‌هایی از این پلکان در دوره فراهخامنشی به محل کاخ H منتقل شد و از آن برای تزئین کاخ فراهخامنشی آن محوطه استفاده گردید.

۲. این امر در بررسی میدانی و در تصویرهای بایگانی کتابخانه تخت جمشید دیده می‌شود.

۳. «تراش قاب نما» (anathyrosis) سبکی از تراش سنگ برای کنار هم قرار دادن بلوک‌های سنگی است که ریشه در هنر سنگ تراشی لیدی و ایونی دارد. در این روش محل چسباندن دو قطعه بلوک محدود به یک قاب با دقت پرداخت و صیقل خورده شده و سطح داخل این قاب به صورت گودتر بدون نیاز به پرداخت نهایی رها شده است. برای آگاهی بیشتر بنگرید: Nylander 1970:27ff.

۵. پیگردی و مکان یابی بلوک‌های مستندنگاری شده :

نخستین اصل برای آگاهی از موقعیت بلوک‌ها در وضعیت نخستین آن‌ها به عنوان نمای جنوبی سازه بر فراز تپه مرکزی، جداسازی و گروه بندی آن‌ها براساس جهت حرکت نقش‌ها به دو گروه اصلی نیمه چپ و راست پلکان است:

۵.۱. بلوک‌های متعلق به نیمه راست پلکان:

ویژگی این بلوک‌ها جهت حرکت خدمتکاران در نمای آن‌ها به سمت چپ بیننده است. براساس مستندنگاری انجام شده قطعه‌های با شماره‌های ۱، ۵، ۶ و ۹ به این گروه تعلق دارند.

بلوک شماره ۱ :

با توجه به زاویه ۹۰ درجه‌ای جهت پایین‌ترین (آخرین) خدمتکار در سطح پشت نما با افراد پس از خود، بلوک شماره ۱ محل تغییر جهت بدنه وسیع پلکان را به سمت بال کوچک نیمه راست نشان می‌دهد (تصویرهای ۵: C, D و ۹). به سخن دیگر پیاله در پوش داری که به دنبال پایین‌ترین خدمتکار پشت نمای بلوک ۱ دیده می‌شود بی‌گمان به آخرین خدمتکار پارسی در پشت نمای محل پیش‌پیش نیمه راست پلکان تعلق داشته که امروزه تنها بخش‌هایی از پوشاک و پای وی در محل برخورد بال راست به بدنه اصلی بر جای مانده است. بر همین اساس پاهای خدمتکار مادی که در همین بخش بدنه اصلی و پیش‌پیش خدمتکار پارسی به چشم می‌خورد متعلق به خدمتکار مادی حامل حیوانی است که در سطح داخلی بلوک ۱ به عنوان آخرین خدمتکار دیده می‌شود.

بلوک‌های شماره ۵ و ۶ :

با مطالعه نقش خدمتکاران در دو بلوک ۵ و ۶ روشن می‌شود که می‌توان با قرار دادن بلوک ۵ بر روی بلوک ۶ به گونه‌ای که ۲۵ سانتی متر از بلوک زیرین جلوتر قرار گیرد، تصویر کاملی از نقش‌های موجود بر بدنه هر دو بلوک ایجاد کرد. به این ترتیب بلوک‌های ۵ و ۶ تکمیل کننده یکدیگر بشمار می‌آیند (تصویر ۷)

۵.۲. بلوک‌های متعلق به نیمه سمت چپ پلکان:

در این بلوک‌ها نقش‌ها در نمای آن‌ها رو به سوی راست بیننده دارند: این گروه شامل بلوک‌های با شماره‌های ۲، ۷ و ۸ می‌شود که به نیمه باختری پلکان در موقعیت اصلی تعلق داشته‌اند. در این گروه بلوک شماره ۲ به عنوان «حلقه گمشده و کلیدی» نقشی اساسی در ایجاد تردید در طرح ارائه شده توسط «هاینز» و تلاش برای دستیابی به طرحی نوین و بازنگری شده بر عهده داشت (تصویرهای ۵ تا ۷).

با وجود اطمینان از اینکه هر دوی بلوک‌های ۷ و ۸ به دیواره (سطح داخل) راهروی نیمه چپ پلکان G تعلق دارند به دلیل کمبود شواهد جای دقیق آن‌ها را در پیکره کلی پلکان نمی‌توان روشن کرد.^۱

۱. در مورد بلوک ۳، (Schmidt 1953: fig. 119 B)، باید گفت با وجودی که براساس سبک مشخص در نقش پردازی خدمتکاران شکی در انتساب آن به کارهای زمان اردشیر سوم باقی نمی‌ماند، با توجه به احاطه شدن ردیف خدمتکاران در یک نوار گل دوازده پر و نمایش یک نگهبان نیزه دار بر پیشانی به روشنی به جدار سمت چپ (نسبت به فرد بالا رونده در راهروی آن) یک پلکان کوچک یک سویه که دارای پنج پله و مستقل از پلکان اصلی کاخ G بوده تعلق داشته است که به وسیله دیوار خشتی پشتیبانی می‌شده است. با آگاهی از وجود یک پلکان کوچک ۵ پله در گوشه شمال باختری محوطه کاخ G این امکان وجود داشته است که این بلوک به جدار خاوری آن پلکان تعلق داشته است

جدول ۱. مقایسه نمای بلوک‌های ۲، (۵ و ۶)، انتهای راست و چپ بدنه اصلی در محل اتصال به بال‌های کوچک عمود بر بدنه.

منبع	اندازه Cm.	هدف مقایسه	مورد مقایسه	سطح مورد مقایسه
تصویر ۵ و B تصویر ۷	۸۲	بررسی ارتفاع سطح ایستایی و هموار خدمتکاران در نمای بلوک نسبت به سطح پایه پلکان (حاشیه پایین قاب گل دوازده پر سراسری)	بلوک ۲ بال چپ	نما
	۸۰		بلوک (۶و۵) بال راست	
تصویر ۶	۵۶	بررسی ارتفاع سطحی که بالاترین خدمتکار مادی در پشت نمای بلوک ۶ پای خود را بر روی آن قرار می‌دهد (با توجه به بازسازی انجام شده بر اساس ارتفاع پله های داخلی)	بلوک (۶و۵) بال راست	پشت نما
	۵۴	بررسی ارتفاع سطح ایستای خدمتکار پارسی در انتهای راست بدنه اصلی نسبت به سطح ایستای پلکان (حاشیه پایین قاب گل دوازده پر سراسری در نما)	بال راست محل اتصال به بدنه اصلی	
	۵۸	بررسی ارتفاع سطح ایستای خدمتکاران در پشت نمای بلوک ۲ نسبت به سطح ایستای پلکان (حاشیه پایین ترین قاب گل دوازده پر سراسری در نما)	بلوک ۲ بال چپ	
تصویر ۵ B تصویر ۲ Schmidt 1953: fig. 122A تصویر ۸ Schmidt 1953: fig. 122c	۵۱	بررسی ارتفاع قاب ردیف نخلچه های تزئینی	بلوک ۲ بال چپ	نما
	۵۰/۵		بال چپ محل اتصال به بدنه اصلی	
	۴۹/۵		بال راست محل اتصال به بدنه اصلی	

۶. بهره‌گیری از بخش‌های متناظر در اثبات وجود یک سطح هموار در بال‌های کوچک عمود بر بدنه اصلی:

آخرین بلوک انتهای سمت راست بدنه اصلی یک پیچش و چرخش ۹۰ درجه نسبت به نمای اصلی نشان می‌دهد. تزئین نمای بخش بیرون زده که همانا محل اتصال بال کوچک به بدنه اصلی است، دو ردیف قاب گل دوازده پر، در بالا و پایین قابی است که ۴۹/۵ سانتی متر ارتفاع داشته و نقش یک نخل کوچک تزئینی کامل به همراه بخش کوچکی از یک نخلچه دیگر در آن جای داده شده است (تصویر ۸). پشت نمای همین بخش خدمتکاری با پوشاک پارسی را در حال گام گذاشتن بر پله‌ای بالاتر نشان می‌دهد و در پیشاپیش وی نیز خدمتکاری با پوشاک مادی حضور داشته که تنها بخشی از کفش وی باقیمانده است.

به کمک اندازه‌گیری و مقایسه بخش‌های قرینه پلکان که در جدول شماره ۱ نشان داده شده است حقایق مشخصی در زمینه ارتباط بلوک‌ها و بخش‌های اندازه‌گیری شده با ساختار و طرح نخستین پلکان روشن

که البته در این صورت پس از انتقال آن از محل نخستین خود، از بلوک‌های متعلق به صحنه بارعام برای تزئین پلکان کوچک باختری استفاده شده است.

می‌شود از جمله این که مقایسه سطح بیرونی و درونی انتهای راست بدنه پلکان (تصویر ۸)، با بلوک‌های ۵ و ۶ (تصویر ۷)، نشان دهنده ارتباط این بخش‌ها با یکدیگر است (تصویر ۹). بازسازی به عمل آمده از قاب گل دوازده پر موجود بر انتهای نیمه راست بدنه اصلی هم سطح بودن آن را با قاب گل مشابه‌ای که خدمتکار مادی بلوک (۵ و ۶) در سطح نمای بلوک پای خود را بر روی آن نهاده است تأیید می‌کند (خدمتکار شماره ۱ در تصویر ۷). افزون بر این مقایسه بلندای سطحی که خدمتکار پارسی در انتهای نیمه راست بدنه اصلی بر روی آن ایستاده است حاکی از همانندی آن با سطحی است که خدمتکار مادی سطح داخل بلوک (۵ و ۶) پای خود را بر روی آن قرار داده است. شواهد موجود به خوبی تأیید کننده این فرضیه هستند که بلوک‌های (۵ و ۶) و بخش بیرون آمده انتهای راست بدنه پلکان، همگی به نمای بال راست که عمود بر بدنه اصلی بوده است تعلق دارد.

در انتهای دیگر پلکان، همانندی اندازه‌های قاب ردیف نخلچه‌های تزئینی نمای بلوک ۲ با انتهای موجود نیمه چپ بدنه پلکان در محل چرخش ۹۰ درجه‌ای و به منظور ایجاد بال عمود بر بدنه اصلی (تصویر ۲) موجب اثبات تعلق سطح هموار بلوک ۲ که مشابه آنچه در بال عمودی راست رد گیری شده بود می‌شود. ردیف خدمتکاران بلوک ۲ به بال عمودی نیمه چپ پلکان می‌شود^۱ که با توجه به اصل قرینگی یا به سخن بهتر تصویر آینه‌ای و متناظر بودن نیمه‌های راست و چپ پلکان، چنین «سطح همواری» برای نیمه راست پلکان نیز محقق می‌شود. فرضیه‌ای که در ادامه بحث و به‌ویژه با بررسی شواهد موجود به روشنی اثبات می‌شود. قابل توجه این که سطح هموار مورد بحث ما در پلان ارائه شده توسط «هاینز» دیده نشده است (تصویر ۳C).

۷. بازسازی ابعاد سطح هموار افزوده شده به بال‌های عمود بر بدنه اصلی پلکان:

پس از آگاهی از وجود یک بخش هموار در طرح کلی بال‌های دو سوی بدنه پلکان، گام بعدی تلاش برای دست یابی به اندازه آن است. برای یافتن پاسخ پرسش مورد نظر در ادامه به بررسی شواهد موجود بر روی بلوک‌های مرتبط و بدنه اصلی پلکان و به‌ویژه به نقش مهمی که ترتیب و شمار نقش‌های موسوم به خدمتکاران در نما و سطح داخلی بلوک‌ها و همچنین آثار و نشانه‌های کنگره‌های تزئینی با اندازه‌های همسان در بالای بلوک‌ها در تعیین اندازه سطوح هموار بال‌های کوچک می‌تواند برعهده داشته باشد می‌پردازیم. در مطالعه نقش خدمتکاران توجه به این مهم ضروری است که در تمامی موارد فرض بر این است که نقش خدمه در دو پوشاک متفاوت موسوم به پارسی و مادی در ترتیب مشخص یک به یک پشت سر هم تکرار می‌شوند.

۷.۱. بال نیمه راست پلکان:

در نمای بال راست پلکان، نخستین خدمتکاری که پای بر سطح هموار نهاده خدمتکار مادی بلوک ۵ است که در تصویر ۷ با شماره ۱ پیشاپیش دیگران دیده می‌شود (جدول ۲). در رابطه با جلوترین خدمتکار

۱. به همراه مقایسه طرح و اندازه موجود برای آغاز بال عمودی پلکان‌ها که در انتهای نیمه راست با برج ماندن یک ردیف نخلچه تزئینی با بلندی مشابه قابل مشاهده و مقایسه است.

سطح هموار در نمای بال راست با وجودی که از خود نقش اثری برجای نمانده است اما می‌توان گفت که به جهت شواهد موجود بر روی بلوک شماره ۱ شکی در این که جلوترین خدمتکار نمای سطح هموار بال کوچک سمت راست، فردی در پوشاک پارسی بوده باقی نمی‌ماند.

در رابطه با شناسایی مادی یا پارسی بودن نخستین خدمتکاری که در پشت نمای بال راست بر سطح هموار پا می‌نهاده است باید بگوییم که با توجه به ارتباط بلوک‌های ۵ و ۶ با انتهای نیمه راست بدنه پلکان، به این نتیجه می‌رسیم که براساس ترتیب مادی و پارسی در نمایش نقش خدمه نوبت به فردی در پوشش مادی بوده که بر سطح هموار داخل راهرو پا بنهد و این در حالی است که جلوترین خدمتکار نیز همان‌گونه که از آثار باقیمانده بر بدنه اصلی در محل برخورد به بال راست مشخص می‌شود فردی با کفش سه بندی پارسی بوده است.

۷.۲. بال نیمه چپ پلکان:

جلوترین خدمتکار سطح هموار نمای بال چپ براساس آنچه در نمای بلوک ۲ دیده می‌شود یک فرد پارسی است (خدمتکار شماره ۱ در تصویر ۶). با وجودی که هیچ اثری در حال حاضر از کیفیت دقیق نخستین خدمتکاری که در نمای بال چپ پای خود را بر سطح هموار نهاده باشد باقی نمانده است، اما خوشبختانه این امکان وجود دارد تا دست کم بتوانیم نسبت به پارسی یا مادی بودن آن اظهار نظر کنیم. با توجه به آن که تمام شواهد تأیید کننده این مهم بوده‌اند که پلکان G از دو نیمه قرینه به جهت اندازه و طراحی تشکیل شده است می‌توانیم براساس همانند بودن جلوترین خدمتکار در نمای سطح هموار هر دو بال نیمه راست و چپ، نخستین خدمتکار هر دو نما را نیز مشابه و همانند یکدیگر فردی در پوشش مادی تصور کنیم.

برای پشت نمای بال چپ خدمتکار شماره ۱ در پشت نمای بلوک ۲ (تصویر ۷)، به عنوان جلوترین خدمتکار سطح هموار شناسایی می‌شود. در رابطه با نخستین خدمتکاری که پای خود را بر این سطح در داخل پلکان نهاده است شواهد موجود به ما اجازه می‌دهد تا با استدلالی مشابه برای آخرین خدمتکار نمای همین بال به نتیجه برسیم. در حالی که جلوترین خدمتکاران سطح هموار پشت نما برای بال‌های راست و چپ همانند یکدیگر یک خدمتکار پارسی است، وجود یک خدمتکار مادی به عنوان آخرین یا به بیان دیگر نخستین خدمتکاری که در همین سطح در بال راست پا بر سطح هموار می‌نهاد، تأیید کننده این نکته است که به شکلی مشابه، یک خدمتکار در پوشاک مادی در پشت نمای بال چپ بر سطح هموار گام می‌نهاد است.^۱

۱. با توجه به شواهد، در حال حاضر تنها نشانه‌ای که از آخرین خدمتکار ایستاده بر سطح هموار درون راهرو (پشت نما) بلوک ۲ دیده می‌شود بخش‌هایی از کفش سه بندی یک خدمتکار پارسی است که به طور قطع نمی‌توانسته نخستین فردی باشد که پای بر سطح هموار می‌نهاد است (خدمتکار شماره ۵ در تصویر ۶ که با نشانه پیکان مشخص شده است). خدمتکار دیگری که پیش از وی در قالب پوشاک مادی می‌آمده است و البته امروز هیچ اثری از آن برجای نمانده است، می‌تواند به عنوان مناسب‌ترین گزینه برای نخستین فرد پانهاد بر سطح هموار پشت نمای بال چپ مطرح شود.

جدول ۲. آخرین و جلوترین خدمتکار در نما و پشت نمای سطح هموار بال‌های عمود بر بدنه پلکان.

بال پلکان	سطح	آخرین خدمتکار	منبع	جلوترین خدمتکار	منبع
راست	نما	مادی	خدمتکار شماره ۱ در بلوک ۵ تصویر ۷	پارسی	ارتباط بلوک ۱ و بال راست و نقش آخرین خدمتکار نمای آن
	پشت نما	مادی	جلوترین خدمتکار پشت نمای بلوک ۵-۶	پارسی	نقش پایین تهِ خدمتکار پارسی بر پشت نمای انتهای راست بدنه اصلی
چپ	نما	مادی	براساس اصل قرینگی اگر جلوترین خدمتکار نمای نیمه راست با چپ مشابه هستند پس در آخرین خدمتکار نیز باید مشابه باشند	پارسی	جلوترین خدمتکار نمای بلوک ۲ تصویر ۵A-B
	پشت نما	مادی	مشابه استدلال برای نما	پارسی	خدمتکار شماره ۱ در پشت نمای بلوک ۲ تصویر ۶

۷.۳. بهره‌گیری از کنگره‌های تزئینی در بازسازی دقیق‌تر اندازه بال‌های کوچک:

به علت اندازه و فاصله مشخص کنگره‌های تزئینی بالای دیواره نمای پلکان از یکدیگر می‌توان از آن‌ها به عنوان یک ویژگی مهم در بازسازی دقیق‌تر اندازه پلکان سود جست^۱. خوشبختانه بر سطح بالای بلوک ۵ آثار دو کنگره که یکی از آن‌ها به شکل خوبی حفظ شده است به همراه دو سطح میان کنگره وجود دارد. بالای بلوک ۲ نیز آثار دو کنگره و سه میان کنگره دیده می‌شود. با توجه به اصل قرینه بودن بال‌های خاوری و باختری، این امکان به خوبی وجود دارد تا به گونه رضایت بخشی به بازسازی مطمئنی از بال‌های کوچک عمود بر هر یک از دو انتهای بدنه اصلی پلکان نائل شویم. ترکیب شواهد همان‌گونه که در تصویر ۱۰ نشان داده شده است به ما امکان می‌دهد تا با احتساب ۲۰۰ سانتی متر برای درازا برای بخش هموار افزوده شده به هر یک از بال‌های کوچک به همراه ۱۸۰ سانتی متر دیگر برای بخش شیب‌دار یعنی فضای لازم و مورد نیاز برای ابتدای هر یک از بال‌ها تا رسیدن به سطح هموار، در مجموع درازای هر یک از بال‌های کوچک عمود بر بدنه اصلی پلکان را ۳۸۰ سانتی متر اندازه‌گیری کنیم. در همین راستا اندازه‌گیری ارتفاع یا بلندای بال‌های کوچک نیز از بالای کنگره‌های سطح هموار تا سطح پایه پلکان ۱۹۶ سانتی متر پیشنهاد می‌شود.

۱. با توجه به آثار موجود، فضای مورد نیاز برای کنگره‌های بخش شیب‌دار پلکان ۳۸ و فاصله میان کنگره‌های ۱۰ cm است. براساس مستندنگاری بلوک ۲ و بدنه اصلی پلکان فضای مورد نیاز برای هر کنگره در سطح هموار ۴۴ cm است. بنگرید: Schmidt 1953: fig.122E.

۸. بازسازی بدنه اصلی پلکان کاخ اردشیر سوم (G):

بدنه اصلی پلکان شامل سطح ایوان و دو سطح شیب‌دار برای راهروهای جانبی تا پیش از چرخش ۹۰ درجه‌ای از هر سو با توجه به بقایای موجود با اطمینان ۳۰/۳۸ متر اندازه‌گیری شده است (Schmidt 1953: fig. 117B) البته از این مقدار ۲۵ متر به فضای هموار ایوان و تنها ۲/۶۹ متر به هر یک از فضاهای شیب‌دار دو سوی بدنه اصلی اختصاص می‌یابد. امروزه از بقایای شیب‌دار پلکان در نیمه راست اثری برجای نمانده است اما روشن است که با توجه به شواهد موجود برای پلکان نیمه چپ بدنه اصلی و همچنین بلوک ۱ که به خوبی محل چرخش بدنه را به بال‌های کوچک نشان می‌دهد امکان بازسازی دقیقی از دو بخش شیب‌دار پلکان که زمانی در دو انتهای سطح هموار ایوان اصلی کاخ قرار می‌گرفتند فراهم شده است.

براساس بازسازی انجام شده هر یک از بدنه‌های شیب‌دار پلکان در دو سوی سطح هموار ایوان از ۶ کنگره کامل و ۱ نیم کنگره در محل چرخش پلکان ساخته شده است. تعداد پله‌های هر پلکان در هر یک از دو بخش شیب‌دار دو سوی بدنه اصلی برابر با ۱۰ عدد بوده است که بالاترین پله به کف ایوان پلکان می‌رسیده است. ارتفاع این سطح با توجه به مکان بالاترین پله و نوع پرداخت نمای داخل ایوان که محل کف سازی ایوان را به خوبی نشان می‌دهد از پایین‌ترین نوار سراسری گل دوازده پر در نمای پلکان ۲۰۰ سانتی متر اندازه‌گیری می‌شود. با این حساب بلندی سطح بالای کنگره‌های ایوان از پایه پلکان ۳۳۲ سانتی متر بوده است. با توجه به آن که حیاط کاخ هدیش در محل قرارگیری پلکان G ۱۷/۷ متر از نقطه صفر اندازه‌گیری که ورودی پلکان بزرگ تخت جمشید است بلندی دارد، حاشیه پایین قاب گل سراسری در پایین پلکان G ۱۸ متر و در نتیجه بلندای کف ایوان پلکان و تالار کاخ G در سطح ۲۰ متر قرار می‌گرفته است^۱.

۸.۱. اندازه‌گیری شیب متوسط پلکان کاخ اردشیر سوم براساس شمارش پله‌های آن:

با توجه به آنکه بلندای بالاترین پله نسبت به پایه پلکان به ۲۰۰ سانتی متر می‌رسد، شیب متوسط پله‌های پلکان با ۱۷ بلندی برای هر طرف بدنه اصلی ۱۱/۷۶ سانتی متر اندازه‌گیری می‌شود. البته در این جا لازم به توضیح است که تفاوت بدست آمده در شیب پلکان با اندازه‌گیری‌های کرفتر که عدد ۱۳/۳۵ را نشان می‌دهد (کرفتر ۱۳۸۸: ۶۷) بایستی به نقطه مبنای پایه پلکان بازگردد چرا که ما در اندازه‌گیری‌های خود حاشیه زیرین پایین‌ترین نوار گل دوازده پر تزئینی در نما را به عنوان صفر اندازه‌گیری دانسته‌ایم در حالی که برابر شواهد نقطه صفر کرفتر از ۲۷ سانتی متر پایین‌تر و از ابتدای سطح تراش خورده بلوک‌های نما گرفته شده است.

۸.۲. پهنای راهروی پلکان G:

با توجه به تخریب شدید پلکان هیچ اثری از پله‌های آن یا کف‌ها و پاگردها در محل کنونی پلکان و در مکان نخستین آن دیده نمی‌شود. اما با این وجود شواهدی وجود دارد که امکان آگاهی از حدود پهنای راهروی پلکان را فراهم می‌سازد.

۱. زمانی که سامی بر روی تپه G اقدام به خاکبرداری کرد تنها بخش کوچکی از مرکز تپه دارای ارتفاع ۲۰ متر نسبت به سطح ورودی پلکان بزرگ تخت جمشید به عنوان نقطه مبنا و بالاتر از آن بوده است (سامی ۱۳۳۰: ۵۰-۴۹).

۱. شواهدی از چرخش ۹۰ درجه‌ای انتهای خاوری بدنه اصلی در گوشه جنوب باختری تپه G در کاوش‌های اشمیت به صورت یک بخش تراش خورده بدست آمد که با توجه به مقیاس طرح ارائه شده از آن و محاسبه پهنای دیواره نمای پلکان، پهنای راهروی پلکان در ۲۰۰ تا ۲۱۰ سانتی متر اندازه‌گیری می‌شود (Schmidt 1953: 274, figs.116-117A).

۲. پلکان کوچک شمال باختری تپه مرکزی که تنها ورودی از سمت شمال به کاخ G بوده دارای پهنای دقیق ۲۰۰ سانتی متر است.^۱

۳. در انتهای باختری نمای کاخ H پلکانی وجود دارد که دست کم از قطعه‌های دو پلکان متفاوت ساخته شده است. بررسی پهنای یکی از بلوک‌های این پلکان که از سه پله تشکیل شده با وجود شکسته شدن یکسوی آن و در نتیجه کوتاه‌تر شدن از اندازه نخستین، ۱۹۴ سانتی متر اندازه‌گیری می‌شود. به اعتقاد تیلیا این بلوک‌ها از بناهای قدیم‌تر برای ساخت پلکان بنای فرا هخامنشی محوطه H استفاده شده‌اند (Tilia 1972: 258).

۴. با توجه سنت اجرای طرح چهارگوش مساوی (مربع) برای پاگردهای پلکان‌های خاوری خشایارشا و پلکان شمالی کاخ سه دروازه در صورت ادامه اجرای این طرح برای پلکان G، پهنای راهروی پلکان نیز بایستی برابر با درازای آن یعنی ۲۰۰ سانتی متر در نظر گرفته می‌شده است.

۸.۳. طرح نهایی و تصحیح شده پلکان کاخ اردشیر سوم (G):

با توجه به مستندات مورد بحث قرار گرفته و بازسازی‌هایی که تاکنون انجام شده امکان دستیابی به طرحی نوین و تا حد بسیار زیادی قابل اعتماد از آخرین پلکان ساخته شده در تخت جمشید فراهم گردیده است (تصویر ۱۱). همان‌گونه که پیش از این نیز ثابت شده بود پلکان اردشیر سوم در هر انتهای خود دارای یک بال کوچک است که عمود بر بدنه اصلی قرار گرفته‌اند. این ورودی‌ها یا همان بال‌های کوچک هر کدام دارای ۲ متر پهنای ۵ پله^۲ و یک کف یا سطح هموار با اندازه ۲ در ۲ متر پیش از برخورد با بدنه اصلی پلکان است که درازای کلی هر بال عمود بر بدنه اصلی را به ۳۸۰ سانتی متر می‌رساند. اضافه نمودن یک سطح هموار در بال‌های کوچک باعث افزایش یک پله به جهت شمارش نهایی پله‌های پلکان نسبت به کار گرفته شده است. پس از این سطح هموار و در محل برخورد بال‌های کوچک با بدنه اصلی پلکان، در ضخامت بدنه پلکان یک پله دیگر قرار گرفته است که فرد بالا رونده را به یک پاگرد که به جهت اندازه، مشابه سطح هموار بال‌های عمودی است هدایت می‌کند. این پاگرد در واقع محل چرخش از راستای بال‌های کوچک به سوی ایوان بشمار می‌آید. دسترسی به ایوان پلکان از این مرحله توسط پیمودن ۱۰ پله دیگر در راستا و پشت نمای

۱. پلکان گوشه شمال باختری تپه مرکزی را هر تسفلد کاوش کرد. کاوش این پلکان موجب کشف یک قطعه بلوک دارای صحنه از شیرهای غران، نوار گل دوازده پر و حاشیه منگوله دار بود که از آن به عنوان تزئین کناره پلکان استفاده شده بود. این بلوک بی شک به صحنه معروف بارعام تعلق داشته و قرار گیری آن در این محل می‌تواند به فعالیت‌های دوره پس از هخامنشی بازگردد. بنگرید: Schmidt 1953: fig. 118B.

۲. مطلب بسیار مهمی که باید به آن توجه شود این است که سطح نخستین پله در هر یک از بال‌های عمود بر بدنه اصلی که در پلان نهایی نیز نشان داده شده است به دلیل هم سطح بودن با حاشیه زیرین پایین‌ترین نوار گل دوازده پر سراسری در نمای پلکان، به عنوان سطح صفر و مبنا برای تمام اندازه‌گیری‌ها در نظر گرفته شده است.

بدنه اصلی که دارای زاویه ۹۰ درجه نسبت به بال‌های کوچک است انجام می‌شود تا در نهایت به ارتفاع ۲ متر نسبت به سطح حیاط کاخ و ۲۰ متر نسبت به ورودی پلکان بزرگ تخت جمشید برسد.

۹. شمارش نقش خدمتکاران بر نما و بدنه‌های داخلی براساس طرح نوین پلکان G:

از آن جهت که پلکان G همانند بیشتر پلکان‌های تخت جمشید از دو بخش قرینه و همانند تشکیل شده است با شمارش خدمتکاران یک نیمه می‌توان به شمار کلی آن‌ها دست یافت. نکته بسیار مهمی که لازم به تأکید و اشاره دارد اختصاص نقش یک خدمتکار برای هر یک از پله‌های واقعی و مجازی پلکان درون راهرو و در نما است. در پژوهش حاضر دستیابی به تعداد دقیق پله‌ها که از راه تصحیح پلان و نقشه پلکان امکان پذیر شد به همراه شواهد موجود بر قطعه‌های باقیمانده فرصت شمارش نقش دقیق خدمتکاران پلکان G را فراهم نمود. برای راحتی و دقت کار جدای از دسته بندی پلکان به دو نیمه متناظر چپ و راست، در هر یک از نیمه‌ها نیز شمارش نقش‌ها برای بخش‌های متناظر آن شامل نما، پشت نما، ضلع کوچک‌تر داخل راهرو و در نهایت ضلع بزرگ‌تر داخل راهرو به صورت جداگانه انجام و در نهایت با یکدیگر تلفیق شدند.^۱

۹.۱. شمار خدمتکاران داخل راهرو (ضلع بزرگ‌تر):

شمارش پله‌ها از پایین به بالای پلکان تا رسیدن به سطح ایوان مطابق اندازه‌گیری‌های زیر برآورد می‌شود:

$$\text{پله } ۱۸ = (۱۰ \text{ پله}) + (\text{پاگرد}) + (۱ \text{ پله} + \text{سطح هموار} + ۵ \text{ پله})$$

$$۵ \text{ خدمتکار} = ۵ \text{ پله}$$

$$۵ \text{ خدمتکار} = \text{سطح هموار}$$

$$۱ \text{ خدمتکار} = ۱ \text{ پله}$$

$$\text{خدمتکار } ۱۰ = ۲ \times ۵ = \text{پاگرد با } ۲ \text{ سطح و هر کدام } ۵ \text{ خدمتکار}$$

$$\text{خدمتکار } ۹ = ۱۰ \text{ پله برای بخش شیب‌دار بدنه اصلی تا رسیدن به ایوان کاخ}$$

جمع خدمتکاران ضلع بزرگ‌تر داخل راهرو براساس شمار انجام شده در بالا ۳۰ فرد شمارش می‌شود.

۹.۲. شمار خدمتکاران داخل راهرو در پشت نما (ضلع کوچک‌تر):

که به دلیل کوتاه‌تر بودن این ضلع پلکان به اندازه مجموع دو ضلع پاگرد، شمارش خدمتکاران پشت نما در مقایسه با ضلع بزرگ‌تر ۱۰ نفر تفاوت نشان می‌دهد. در زیر چگونگی محاسبه خدمتکاران در این بخش از پلکان نشان داده شده است:

$$\text{پله } ۱۸ = (۱۰) + \text{پاگرد} + (۱ + \text{سطح هموار} + ۵) = \text{تعداد پله‌ها از پایین}$$

۱. در هر دو نیمه پلکان پیشاپیش ردیف خدمتکاران یک پارسی و انتهای آن‌ها نیز یک مادی دیده می‌شود. برای پلکان جنوبی کاخ «تچرا» ردیف خدمتکار با پارسی شروع و با آن نیز تمام می‌شود. داخل راهروهای پلکان باختری «هدیش» با مادی شروع و با مادی هم تمام می‌شود. برای نمای پلکان اخیر ردیف خدمتکار با پارسی شروع و با مادی تمام می‌شود. پلکان خاوری «هدیش» نیز با مادی شروع و با مادی هم تمام می‌شود. بنگرید: یزدانی ۱۳۸۳.

$$\text{خدمتکار } ۲۰ = (۹) + ۰ + (۱ + ۵ + ۵) = \text{تعداد خدمتکاران}^۱$$

۹.۳. شمارش خدمتکاران برای نمای پلکان :

شمارش پله‌های نما برابر است با مجموع پله‌های نمای بال کوچک و نمای بدنه اصلی:

$$\text{پله } ۱۵ = ۹ + (\text{سطح هموار } ۵) = \text{تعداد پله‌ها از پایین}$$

$$\text{خدمتکار } ۱۸ = ۸ + (۵ + ۵) = \text{تعداد خدمتکاران}$$

$$۶۸ = ۱۸ + (۲۰ + ۳۰) = \text{شمار خدمتکاران یک نیمه پلکان}$$

۱۰،۴ شمارش تمامی خدمتکاران پلکان کاخ G برابر است با:

$$\text{نفر } ۱۳۶ = ۶۸ + ۶۸ = \text{شمار تمامی خدمتکاران پلکان } G^۲$$

۱۰. سخن پایانی:

پژوهش حاضر که به جهت ساماندهی و پیگردی بلوک‌های پراکنده کاخ اردشیر سوم آغاز شده بود افزون بر دستیابی به این هدف^۳ با تصحیح و بازنگری پلکان بزرگ آن موجب درک شناختی بهتر از روند و کیفیت معماری و هنر نقش‌پردازی در چند دهه پایانی شاهنشاهی هخامنشی شد. بازسازی کامل پلکان کاخ اردشیر سوم بیانگر این مهم است که معماران زمان اردشیر سوم از سه گزینه موجود برای الگو برداری پلان پلکان که همانا پلکان خاوری حیاط کاخ هدیش، پلکان جنوبی کاخ تچر و پلکان کاخ اردشیر نخست بود آگاهانه دست به انتخاب الگوی پلکان جنوبی کاخ داریوش زده‌اند و با طراحی و ساخت دو بال عمود بر بدنه اصلی که منجر به افزایش شمار پله‌ها شده است موجب حفظ شیب طبیعی و استاندارد پلکان شده‌اند اگرچه بجز این نوآوری در پلان و نقشه، تزئین نما و دیواره‌های راهروی پلکان در ادامه نمونه‌های پیش از خود به‌ویژه در پیروی از پلکان جنوبی کاخ تچر به انجام رسید.

افت کیفیت استانداردهای معماری و بسنده کردن به رنگ و لعاب ظاهری در دو تا سه دهه پایانی فرمانروایی شاهان سرزمین پارس به‌خوبی در ساخت کاخ G، خود را به نمایش می‌گذارد. زمانی که معماران بجای ساخت پایه پلکان از قطعه‌های بزرگ و سترگ سنگی مانند آنچه در کاخ تچر دیده می‌شود تصمیم به

۱. کرفتر برای سطح داخلی پلکان ۶۰ نقش خدمتکار را بر می‌شمرد (کرفتر ۱۳۸۸: ۶۸)، در حالی که در این جا با توجه به وجود ۵۰ خدمتکار برای هر نیمه بر روی هم ۱۰۰ نقش خدمتکار در جداره‌های داخلی پلکان شمارش شده است.

۲. شمارش نقش خدمتکار برای دیگر پلکان‌های کاخ‌های اختصاصی به قرار زیر است: پلکان جنوبی «تچرا» ۱۱۴، پلکان باختری «هدیش» ۱۶۰، پلکان خاوری «هدیش» ۱۶۴، پلکان جنوبی کاخ «سه دروازه» ۲۴. بنگرید: یزدانی ۱۳۸۳: ۴۳-۴۵.

۳. امکان قرار دهی بلوک ۱ در محل کنونی پلکان G و همچنین ساماندهی بلوک‌های (۵ و ۶) و ۲ در محل اصلی آنها در جنوب تپه مرکزی فراهم شده است. برای بلوک ۹ نیز بدلیل کوچکی و نابودی تمامی ساختار اطراف آن در پلکان توصیه می‌شود که به گنجینه تخت جمشید انتقال یابد. پس از بازسازی حاضر نگارنده در گفتگو با آقای حسن راهساز (سرپرست گروه مرمت تخت جمشید) و بررسی محل پراکنش بلوک‌ها، امکان ساماندهی و بازسازی بخش‌هایی از پلکان را در مکان نخستین آن پیشنهاد نمود هر چند این کار تا زمان بازنشتگی ایشان در سال ۱۳۸۷ به انجام نرسید.

ساخت آن از خشت خام کردند تنها اقدام به اجرای طرحی کرده بودند که سایه‌ای از کارهای بزرگ پیشین بر خود داشت، یک بدل و نمونه ضعیف و بی‌بنیان از سازه‌های دوران طلایی گذشته بود و همین امر موجب شد تا ساخته آن‌ها بیش از چند ده سال دوام نیاورده و اگر چه از آخرین ساخته‌ها بر روی تختگاه بود بسیار زودتر از پیشینیان خود فرو ریزد.^۱

۱. در پایان نگارنده بر خود لازم می‌داند تا از استادان و همکارانی که در تمامی مراحل از زمان اجرا تا تدوین بازخوانی و اصلاح متن و چاپ این نوشتار مرا یاری رساندند کمال سپاس و قدردانی خود را بجای آورد. خانم‌ها: شهرزاد و گلناز زارعی و مهرناز بردبار در محوطه میراث جهانی تخت جمشید و همچنین آقایان: دکتر اردشیر شیرزاد (علی اسدی)، دکتر شاهرخ رزمجو، دکتر علیرضا هژبری نویری، دکتر کمال الدین نیکنامی و دکتر محمد حسن طالبیان.

منابع :

سامی، علی، ۱۳۳۰، « کاوش‌های دوازده ساله بنگاه علمی تخت جمشید»، گزارش‌های باستان‌شناسی، جلد دوم.
کرفتور، فردریش ۱۳۸۸، طرح‌های بازسازی تخت جمشید، بحرالعلومی شاپورآبادی، فرانک، تهران، بنیاد پژوهشی پارسه پاسارگاد با همکاری سازمان میراث فرهنگی.
یزدانی، افشین، ۱۳۸۳، پژوهش در جنبه‌های باستان‌شناختی - جانور شناختی نقش برجسته‌های جانوران طبیعی در تخت جمشید، پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران
.....۱۳۸۴، «طرحی نوین از پلکان کاخ اردشیر سوم»، بنیاد پژوهشی پارسه پاسارگاد، محوطه میراث جهانی تخت جمشید، گزارش منتشر نشده.

Dandamaev, M.A., 1989, *A Political history of Achaemenid Empire*, Brill, Leiden.

Francovich, De. "Problems of Achaemenid Architecture" *East and West*, 16, 1966: 201-261.

Herzfeld, E. , 1928 , *Ruines de Persépolis* , Dietrich Rimer, Berlin.

_____ , 1941, *Iran in the Ancient Near East*, London.

Krefter , F. 1971 , *Persepolis – Rekonstruktionen* , Berlin .

_____ 1976 , "New Outlooks On Persepolis", in *the memorial volume of the VIth International Congress of Iranian Art & Archaeology*, Oxford, September 11-16th 1972, Iranian Center for Archaeological Research, pp. 205-216.

Nylander, C., 1970, *Ionians in Pasargadae*, Uppsala.

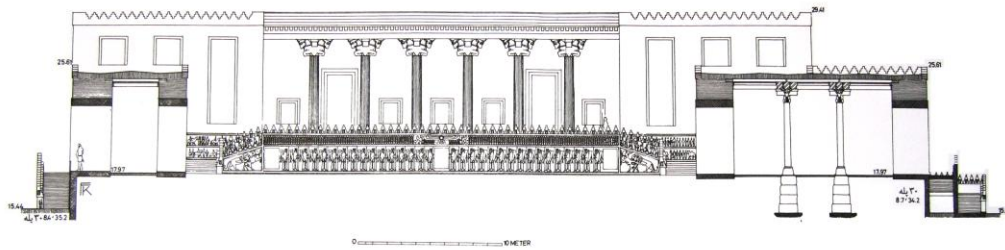
Roaf, M. 1983, "Sculptures and Sculptors at Persepolis", *Iran* 20: 1 – 164.

Schmidt, E. F 1940, *Flights Over Ancient Cities of Iran*, The University of Chicago press, Chicago.

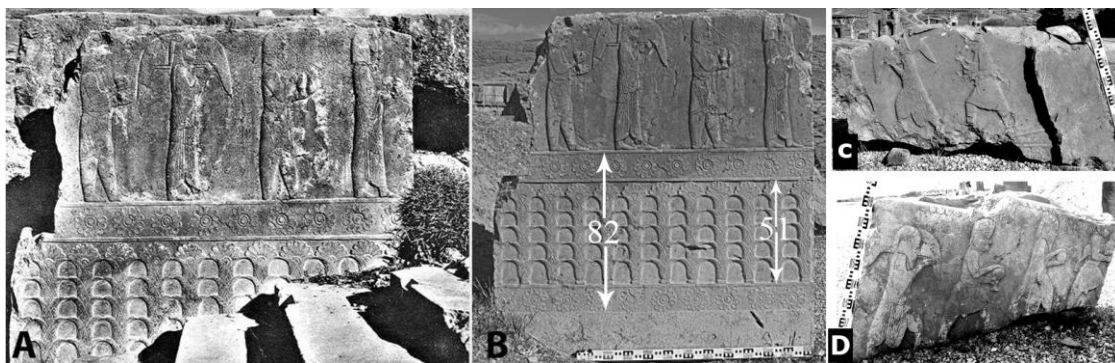
_____ . 1953, *Persepolis I*, The University of Chicago Press, Chicago.

Tilia, A. B. 1972, *Studies and Restorations at Persepolis and other sites of Fars*, Rome, IsMEO

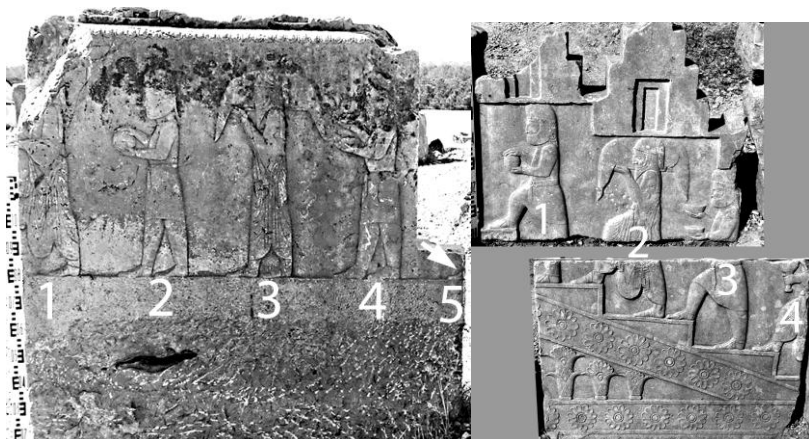
Unger, E., 1970, *Babylon. Die heilige Stadt nach der Beschreibung der Babylonier*, Berlin.



تصویر شماره ۴. نمای بازسازی شده ایوان و کاخ اردشیر سوم رو به حیاط کاخ هدیش توسط کرفتر. در گوشه راست و چپ تصویر به ترتیب پلکان و ساختمان دروازه خاوری و باختری حیاط هدیش دیده می‌شود (کرفتر ۱۳۸۸: تصویر ۱۷).



تصویر شماره ۵. (A): نمای بلوک ۲ به عنوان تزئین کننده نمای پلکان ناتمام «فراخامنشی» (Herzfeld 1928: fig.36). (B): همان بلوک جدا شده از بافت فراخامنشی در جنوب تپه مرکزی و در موقعیت امروزی خود. (C): نمای بلوک شماره یک نشان‌دهنده ابتدای نمای بدنه اصلی، (D): سطح داخلی بلوک شماره یک در داخل راهرو و پشت نمای بدنه اصلی پلکان.

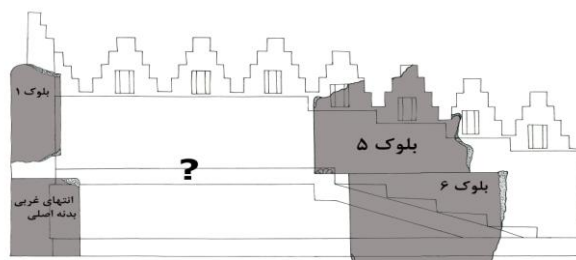


تصویر شماره ۶. ردیف خدمتکاران در پشت نمای بلوک

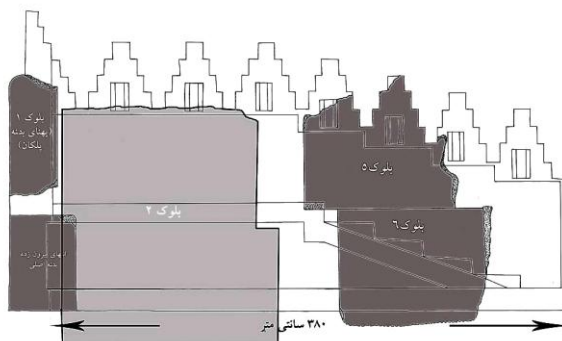
تصویر شماره ۷. نقش خدمتکاران در نمای بلوک ۵ (بالا) و ۶ (پایین). از قراردعی این دو بلوک بر روی یکدیگر نقش‌ها کامل می‌شود. وجود قسمت کوچکی از قاب گل دوازده پر که خدمتکار شماره ۱ پای خود را بر روی آن نهاده در بازسازی بال عمود بر بدنه اصلی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.



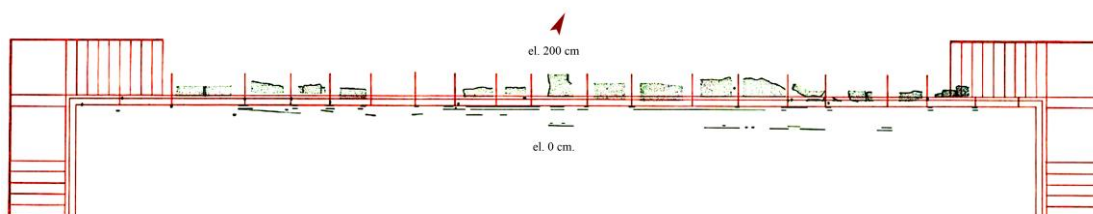
تصویر شماره ۸. انتهای بیرونی و نمای نیمه راست بدنه پلکان با تزئین رایج حمله شیر به گاو. بخش بیرون زده با تزئین نخلچه و قاب گل دوازده پر محل اتصال بال عمود بر بدنه اصلی را نشان می‌دهد.



تصویر شماره ۹. نمای بال راست پلکان و موقعیت بلوک‌های (۵ و ۶)، بلوک ۱، بیرون‌زدگی بدنه اصلی و ارتباط میان آن‌ها.



تصویر شماره ۱۰. ترکیب بلوک‌های نیمه راست پلکان (بلوک‌های ۵، ۶، و ۱) با بلوک ۲ (مربوط به نیمه چپ) به جهت بازسازی دقیق بال‌های کوچک براساس اصل قرینگی دو نیمه پلکان.



تصویر شماره ۱۱. طرح نهایی پلکان بزرگ جنوبی کاخ اردشیر سوم در تخت جمشید (۳۳۸-۳۵۹ پ.م).